

نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم

مسعود غفاری^۱محمد رستم‌پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

چکیده

حکمرانی مطلوب و روش‌های نیل به آن از دیرباز محل بحث و گفتگوی فلاسفه و اندیشمندان علم سیاست بوده است. بسیاری از انقلاب‌های جهان نیز با هدف نیل به حکمرانی مطلوب محقق گردید، از جمله انقلاب اسلامی ایران. انقلاب اسلامی ایران با شعارهای اسلامی خود منادی گام نهادن در مسیر حکمرانی مطلوب اسلامی بوده است. این امر سبب گردیده تا دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رهیافت‌های مختلف در نظام سیاسی کشور در صدد تحقق هرچه بیشتر مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب باشند. به عبارتی شیوه نیل به حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران مسئله اندیشمندان علوم سیاسی ایران و نویسندگان پژوهش حاضر است. از این‌رو پژوهش حاضر نیز با کاربست روش توصیفی تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه و بهره‌گیری از چارچوب نظری حکمرانی خوب در پی پاسخ دادن به این سؤال اصلی پژوهش است که چه نسبتی میان تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. اهداف پژوهش نیز عبارت‌اند از آسیب‌شناسی رهیافت تمرکزگرایی دولت احمدی‌نژاد، تبیین نظام سیاسی تمرکززدا و تولید ادبیات پژوهشی جهت کمک به کارشناسان و دولتمردان. فرضیه پژوهش نیز بدین صورت است که میان تمرکزگرایی و حکمرانی خوب رابطه عکس وجود دارد زیرا شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی مطلوب جهت تحقق نیازمند جامعه تمرکززدا است، درحالی‌که محمود احمدی‌نژاد به دلیل تمایل به مدیریت مستقیم بر بسیاری از نهادها و سازمان‌های کلان سیاسی و مدیریتی کشور، نظام سیاسی تمرکزگرای شدیدی به وجود آورده بود که موجب شد بسیاری از شاخص‌های حکمرانی خوب محقق نشود.

واژه‌های کلیدی: تمرکزگرایی، تمرکززدایی، حکمرانی مطلوب، حکومت مطلوب، احمدی‌نژاد، دولت‌های نهم و دهم.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. gaffari@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) yaali.1427@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



۱. مقدمه

بیان مسئله: دغدغه تشکیل حکومت مطلوب از سوی زمامداران دوره‌های مختلف ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران و ادعای هر یک از آنان مبنی بر موفقیت در این عرصه ابهامات و سؤالاتی را پیرامون چیستی و ماهیت حکمرانی مطلوب و نحوه تطبیق و اجرای آن در جمهوری اسلامی به وجود آورده است. هر یک از این افراد با اتخاذ رهیافتی مشخص، مسیر و روندی به‌سوی حکمرانی مطلوب را کارآمد و نتیجه‌بخش دانسته و بر آن تأکید می‌ورزند. این در حالی است که در عرصه واقع و عمل این رهیافت‌ها خسارت‌های بسیاری برای کشور داشته و موانعی در مسیر نیل به حکمرانی مطلوب به وجود آورده است. بنابراین موضوع چگونگی نیل به حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران به مسئله‌ای نزد پژوهشگران علم سیاست در ایران و زمامداران آن تبدیل شده است.

اهمیت پژوهش: برخی از زمامداران جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رهیافت‌های مدیریتی و سیاسی اشتباه موانعی در مسیر نیل به حکمرانی مطلوب به وجود آورده و بر اثربخش و مفید و کارآمد بودن آن تأکید می‌ورزند. این پژوهش جهت تبیین یکی از پربحث و جنجال‌ترین نظام سیاسی، به ارزیابی کارآمدی آن در نیل به حکمرانی مطلوب در یک دوره ریاست جمهوری پرداخته است. انجام چنین پژوهش‌های موردی پیرامون عملکرد سیستم سیاسی تمرکزگرا در جمهوری اسلامی ایران از این حیث که کمک شایانی به رفع برخی از ابهامات پیرامون نسبت رهیافت مذکور و حکمرانی مطلوب می‌کند اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر این در پژوهش حاضر رهیافت تمرکززدایی و نسبت آن با حکمرانی مطلوب نیز مورد مذاقه قرار گرفته و بر اهمیت آن افزوده است. این پژوهش به سبب ارزیابی تجربه عملی یکی از تمرکزگراترین دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در تحقق حکمرانی مطلوب اهمیت شایانی دارد چراکه با ارزیابی نسبت حکمرانی مطلوب و تمرکزگرایی در دولت‌های نهم و دهم می‌توان به کارآمدی و یا ناکارآمدی این رویکرد سیاسی پی برده و جهت انجام اصلاحات یا تغییرات مورد نیاز در مسیر حکمرانی مطلوب اقدام کرد.

ضرورت پژوهش: عدم ارزیابی تطبیقی عملکرد و میزان کارآمدی رویکردهای مختلف نظام سیاسی و اداری کشور مانع از کشف نواقص و ایرادات جهت انجام اصلاحات می‌شود؛ بنابراین انجام چنین پژوهش‌هایی از این حیث که به‌نوعی آسیب‌شناسی تطبیقی رهیافت‌های مختلف می‌گردد اهمیت بسیاری دارد.

سؤالاتی پژوهش: سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه چه نسبی میان تمرکزگرایی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۵۶

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰



و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم وجود دارد. سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از اینکه اتخاذ رهیافت تمرکززدایی تا چه میزان می‌تواند به تحقق حکمرانی خوب منجر شود. در دولت نهم و دهم چه رهیافتی اتخاذ شده و چه نتایجی به دنبال داشته است.

اهداف پژوهش: یکی از مهم‌ترین اهداف نویسندگان از نگارش پژوهش حاضر آسیب‌شناسی تطبیقی رویکردهای مختلف اتخاذ شده در ساختار سیاسی و مدیریتی کشور جهت ارائه نقشه راه آتی به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران است. تولید ادبیات پژوهشی و ارائه آن به پژوهشگران و کارشناسان علوم سیاسی ایران دیگر هدف نویسندگان بوده است.

روش پژوهش: در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی با استناد به داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است. در قسمت چارچوب مفهومی مفاهیم تمرکزگرایی و تمرکززدایی توضیح داده شده است. چارچوب نظری مورد استفاده این پژوهش نیز مبتنی بر شاخص‌های حکمرانی مطلوب است.

ادبیات پژوهش: با بررسی متدولوژیک پژوهش‌های مرتبط با این موضوع مشخص شد که دو دسته کلی پژوهش در این حوزه انجام شده است. یک دسته از پژوهش‌ها به تبیین حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن پرداخته و دسته دیگری از پژوهش‌ها تعریف تمرکزگرایی و آثار آن بر ساختارهای اجرایی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا با ترکیب دو رهیافت مذکور، به ارزیابی نسبت دو مقوله تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت محمود احمدی‌نژاد پرداخته شود.

سامان‌دهی پژوهش: سامان‌دهی پژوهش حاضر نیز بدین‌صورت است که ابتدا ادبیات پژوهش بررسی شده و رویکرد پژوهش‌های پیشین بیان می‌گردد. پس از آن جهت فهم بهتر متن، اصطلاحات جدید و کلیدی پژوهش در بخش چارچوب مفهومی تبیین می‌گردد. سپس مقوله حکومت و حکمرانی خوب و شاخص‌های آن به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش واکاوی می‌شود. درنهایت نیز با بیان نوع عملکرد دولت احمدی‌نژاد در ساختارهای سیاسی و اداری کشور، میزان تطبیق شاخص‌های حکمرانی خوب در این دولت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

فرضیه پژوهش: فرضیه این پژوهش از این قبیل است که محمود احمدی‌نژاد به سبب تمایل به انجام تغییر و تحولاتی بنیادین در ساختارهای بوروکراتیک و اجرایی کشور، به‌صورت مستقیم به مدیریت برخی سازمان‌ها و نهادهای مهم و کلان سیاسی و اجرایی می‌پرداخت. هدف وی از این اقدام مدیریت و کنترل بهتر و بیشتر روند فعالیت این نهادها و سازمان‌ها بود. این در حالی است که اقدام مذکور سبب ایجاد تمرکزگرایی شدید در کشور گردیده و فاصله‌ای میان مرکز و پیرامون یا دولت و ملت به وجود آورد. این امر

که با شاخص‌های حکمرانی خوب ناسازگار بوده، موانعی در مسیر نیل به حکمرانی خوب در این دوره به وجود آورد.

مشکلات پژوهش: تفاوت در تبیین و تعریف و ارائه شاخص‌های حکمرانی از سوی اندیشمندان علوم سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی، اختلاف نظر پیرامون آثار مثبت یا منفی تمرکزگرایی در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سلیقه‌ای و جانب دارانه بودن بسیار از تحلیل‌ها و پژوهش‌های مرتبط با عملکرد دولت محمود احمدی‌نژاد از جمله مشکلات نویسندگان در نگارش پژوهش حاضر بود.

۲. ادبیات پژوهش

با تبارشناسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع حاضر این نتیجه به دست آمد که غالب پژوهش‌ها یا مقوله حکومت مطلوب، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن را مورد مذاقه قرار می‌دهند، یا تأثیر تمرکزگرایی در ساختارهای مدیریتی کشور را ارزیابی و تحلیل می‌کنند. در این پژوهش نسبت دو مقوله مذکور به صورت مصداقی در دولت محمود احمدی‌نژاد مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش از این حیث که نتایج عملکرد دولت تمرکزگرای احمدی‌نژاد را با شاخص‌های حکمرانی تطبیق داده است نگاشته جدیدی به شمار می‌رود.

۳. چارچوب مفهومی

۱/ ۳. تمرکزگرایی^۱

تمرکزگرایی شکلی از سیستم سیاسی است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور ملی و محلی توسط مرکزیت سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت قرار دارد، ایجاد و اجرا می‌شود. در این نظام سیاسی قدرت و اختیار اداره و اجرای امور به‌طورکلی در سازمان‌های مرکزی تمرکز می‌یابد (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۸۴). به عبارت دیگر تمرکزگرایی به معنای تمرکز حقوق تصمیم‌گیری و مسئولیت‌ها در مرکز است. خواه این مرکز بالاترین سمت در یک وزارت خانه باشد، یا بخشی از یک سازمان محوری و یا در نسبت دفتر مرکزی با دفتر منطقه‌ای باشد. معمولاً تمرکزگرایی دلالت بر تمرکز مسئولیت‌های تصمیم‌ساز در دست عده‌ای محدود دارد. باین وجود برخی بر این باور هستند که تمرکزگرایی تجمیع و انحصار قدرت سیاسی است که اغلب با مرکزیت جغرافیایی یا پایتخت همراه و همگام می‌شود (شیرودی، ۱۳۸۷: ۳).

1. Centralization



از نظر آنان چون نظام‌های سیاسی تمرکزگرا، مهم‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و محلی خود را در مرکز سیاسی کشور یا پایتخت تعیین می‌کنند، «تمرکزگرایی جغرافیایی» نامیده می‌شوند، چراکه مرکزیت گرایی جغرافیایی معمولاً در پایتخت رخ می‌دهد (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). از نظر آنان دولت برای آنکه ابزارهای اجرائی لازم جهت اعمال سیاست‌ها را در دست داشته باشد به تمرکز اداری در پایتخت می‌پردازد.

تمرکزگرایی صرفاً به تصمیم‌گیری در سازمان‌های مرکزی محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند در سطح محلی و منطقه‌ای نیز مطرح شود و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اداری داشته باشد. نوع دیگری از تمرکزگرایی وجود دارد که تمرکزگرایی اداری نامیده می‌شود که می‌تواند نتیجه تمرکز قدرت اداری باشد (اسدی، ۱۳۷۱: ۶۰). در این نوع از تمرکزگرایی سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری دولتی، خود به صورت مستقیم به توزیع بخش عمده‌ای از خدمات محلی به پیرامون می‌پردازند. در چنین ساختاری نهادهای مدنی و سازمان‌های محلی همچون شهرداری‌ها و شوراهای نقش و تأثیر اندکی در جریان اداره امور محلی دارند زیرا این سازمان‌ها در این سیستم سیاسی بایستی بر اساس سیاست‌های ابلاغ شده از سوی مرکز عمل کنند. در چنین الگویی کلیه تصمیمات در مرکز اتخاذ می‌شود و مناطق پیرامونی هیچ استقلالی از خود ندارند (امیدی، ۱۳۹۲). پاره‌ای از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمرکزگرایی به شرح ذیل است:

تجمع قدرت سیاسی در یک فرد یا نهاد - ساختار بردگی بوروکراتیک - شخصی شدن تصمیم‌گیری
نخبگان حاکم - تشدید بوروکراسی اداری - استقرار و استمرار نهادهای امنیتی (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). پاره‌ای از آسیب‌های تمرکزگرایی به شرح ذیل است:

۳/۱/۱. در سیستم سیاسی متمرکز سازمان‌های دولتی معمولاً به صورت سازمان‌های رانتی و سلسله مراتبی در ارائه خدمات عمومی به نوعی غیر پاسخگو، ناکارآمد و کم اثرگذار عمل می‌کنند؛

۳/۱/۲. حکومت‌های تمرکزگرا به خوبی توانایی اجرای اولویت در تقسیم منابع و خدمات عمومی به پیرامون را ندارد (3: Boffa and Piolatto and Ponzetto, n.d.);

۳/۱/۳. تمرکزگرایی مستلزم انتقال میزانی از اطلاعات به پیرامون است که هیچ سیستم ارتباطی نمی‌تواند آن را تأمین کند (Dahl, 1982). در صورتی که همه تصمیمات بخواهد به صورت متمرکز انجام شود سرعت و هزینه افزایش می‌یابد اما کیفیت اطلاعات به شدت کاهش خواهد یافت؛

۳/۱/۴. کند شدن روند رسیدگی به امور اداری و ناامیدی و نارضایتی توده از بوروکراسی کند و عریض و طویل (پهلوی، ۱۳۴۷).

۲/۳. تمرکززدایی^۱

مقصود از تمرکززدایی نیز توزیع و پراکنده ساختن قدرت سیاسی و اداری، تصمیم‌گیری و اجرای آن در میان نهادها، سازمان‌ها و ساختارهای مختلف مدنی در سطح ملی است (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). عدم تمرکز سیستم سیاسی روشی است که در آن دولت مرکزی حق و اختیار تصمیم‌گیری و گاهی امکانات مادی لازم را به نهادهای محلی، که متصدیان آن بسته به توسعه سیاسی کشور توسط مردم همان محل انتخاب شده‌اند، واگذار می‌نماید (نبوی، ۱۳۵۶). کارلسن (۱۹۹۹) تمرکززدایی را حرکتی از مرکز به سمت پیرامون می‌داند که باعث کاهش تدریجی درجه تمرکز و افزایش درجه عدم تمرکز می‌شود (آیبار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷-۱۷۸). هدف از تمرکززدایی انتقال مسئولیت برنامه‌ریزی، مدیریت، تخصیص منابع از دولت مرکزی به سازمان‌های پیرامونی آن از قبیل واحدهای وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولت مرکزی، سطوح پایین‌تر دولت مرکزی، مسئولین منطقه‌ای و یا سازمان‌های داوطلبانه یا خصوصی غیردولتی است (Rondelli, 1984).

رویکرد دیگری در تعریف تمرکززدایی به تحویل دادن مقداری از قدرت و اختیارات اداری و یا مسئولیت به سطوح پایین‌تر سازمان‌ها و وزارت خانه‌های مرکزی اشاره دارد که با این اقدام قدرت اداری در داخل دولت مرکزی بازتوزیع می‌شود. پیشرفت جوامع و به تبع آن افزایش سطح آگاهی و توانایی مردم در درک نیازها و راه‌های برآوردن آن‌ها، ضرورت مداخله آن‌ها را در اداره امور بیشتر نموده است. این روند نیز جز از طریق سازمان‌دهی آن‌ها در شکل نهادهای مشارکتی محلی و منطقه‌ای امکان‌پذیر نبوده است. از این رو برای نیل به توسعه، تنوع در ساختار حکومتی، تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین‌تر مطرح شده است (Conyers, 1986).

تمرکززدایی با هدف ارتقاء سطح دموکراسی، توسعه، امنیت عمومی و ارائه خدمات با کیفیت عمومی انجام می‌پذیرد. تمرکززدایی در اشکال و قالب‌های مختلفی کاربست می‌یابد اما غالباً به صورت تغییر قوانین سازمانی که تقسیم‌کننده منابع و مسئولیت میان سطوح مختلف دولت است اعمال می‌گردد (Eaton and Kaiser and Smoke, 2010: 1). تمرکززدایی در گذشته در میان کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق شیوه‌ای برای حمایت از عامه مردم به شمار می‌رفته است. از نظر پاره‌ای از متخصصان اروپایی، تمرکززدایی در تصمیم‌گیری و کنترل نهادها و زیرشاخه‌های آنان، ابزار مؤثر و کارآمدی در بهبود خدمات اجتماعی است (Flynn and Strehl, 1996: 263). برخی از نخبگان بر این باور هستند



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۶۰

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰



که تمرکززدایی قدرت سیاسی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع توسعه یافته همانند ایالات متحده آمریکا است (Riker, ۱۹۶۴). در یک نظام سیاسی غیر متمرکز شهروندان فرصت بیشتری برای شرکت در فرایند تصمیم‌گیری دارند زیرا کل فرایند تصمیم‌گیری به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌شود. بنابراین دولت غیر متمرکز نسبت به یک نظام اداری متمرکز دسترسی و کنترل بیشتری به بروکراسی برای شهروندان فراهم کرده و دموکراسی و مشارکت مردم را تبدیل به واقعیت می‌کند. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمرکززدایی به شرح ذیل است:

تحدید قانونی قدرت سیاسی فردی - تأسیس و استقرار نهادهای مستقل از ساختار بوروکراتیک - تفکیک قوا - تأسیس نهادهای مدنی - تأسیس شوراهای محلی - تأسیس مجلس نمایندگان برای نمایندگی از توده (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

۱/۲/۳. فواید تمرکززدایی

اقتصاددانان با استفاده از رویکرد انتخاب عقلانی استدلال می‌کنند که تمرکززدایی رقابت و کارایی را ارتقا می‌بخشد. به عقیده آنان فراهم کردن برخی خدمات عمومی زمانی به صورت موفقیت‌آمیز اتفاق می‌افتد که تعداد قابل توجهی از نهادهای محلی در آن دخیل باشند که این نیز نیازمند یک سیستم سیاسی غیر متمرکز است (Bailey, 1999). از فواید یک سیستم سیاسی غیر متمرکز این است که به دیدگاه و منافع مردم بومی نیز اهمیت می‌دهد. نظریه پردازان سیاسی لیبرال مانند الکسیس دوتا کوپل و جیمز استوارت میل تمرکززدایی را راهی برای انتشار قدرت سیاسی بین شهروندان دانسته و کاربست آن را در مقیاس مشخص لازم می‌دانند. این نظریه پردازان بر لزوم ارتباط بین دولت‌های غیر متمرکز، مشارکت سیاسی شهروندان و نهادهای محلی در تقویت دموکراسی اشتراک نظر دارند (Pateman, 1970).

از نظر ولمن کاهش تمرکز سیاسی باعث توزیع قدرت در ساختارهای دولتی شده و پاسخگویی دولت، مشارکت سیاسی، برابری سیاسی و انعطاف‌پذیری در تصمیم‌سازی را ارتقا می‌دهد. کاهش تمرکز حتی بر تأثیرگذاری دولت مرکزی نیز آثار مثبتی دارد چرا که امکان نظارت و بررسی عملکرد دولت مرکزی را ممکن می‌سازد و خصومت بین نهادهای مرکزی و محلی را کاهش می‌دهد (Wolman, 1990). در سیستم غیر متمرکز عرضه خدمات عمومی و مقابله با فقر بسیار بهتر رخ می‌دهد. در این سیستم‌های سیاسی پاسخگویی دولت‌های محلی به دولت مرکزی بسیار بهتر است.

در دولت غیر متمرکز فرصت برای مشارکت در تصمیم‌گیری عمومی فراوان است. ایوانز و اسکاچپول معتقدند که تمرکززدایی از حکومت مرکزی باعث شکل‌دهی سرمایه انسانی گردیده و واگذاری اختیارات

در سطوح افقی و عمودی جامعه، حکمرانی دموکراتیک را تقویت می‌کند و ضمن آنکه محیط مناسب‌تری را برای توسعه سیاسی فراهم می‌سازد، موجب تضمین بقای حکومت نیز خواهد شد (Skocpol, 1996; Evans, 1996).

در سیستم‌های فدرالی که تمرکززدایی به خوبی تحقق یافته است، فاصله سیاسی بین حکم‌فرمایان و حکم‌شوندگان بسیار کم شده است (Rousseau and Zariski, 1987: 18). اگر ساختار اجتماعی و سیاسی کشور ناهمگون باشد، تمرکززدایی روش مؤثری برای کاهش این ناهمگونی است (Boffa and Piolatto and Ponzetto, n.d.: 2). تمرکززدایی سبب می‌شود تا رای‌دهندگان به مقامات محلی بهتر بتوانند اقدامات حکومت‌های محلی خود را زیر نظر قرار داده و ارزیابی کنند (Basely and Case, 1995: 25-45). در زمینه آموزش اجتماعی نیز بایستی عنوان داشت که دولت غیرمتمرکز نسبت به دولت متمرکز یادگیری اجتماعی را شتاب بیشتری می‌دهد.

۴. چارچوب نظری

۴/۱. حکمرانی خوب

ایده حکمرانی خوب برای نخستین بار توسط بانک جهانی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی مطرح گردید (Nadeem, 2016: 2). تعریف حکمرانی خوب کار آسانی نیست و تعاریف مختلفی پیرامون آن شکل گرفته و در تعیین حدود مرزهای آن بحث و نظرهای مختلفی ارائه گردیده است (Landell-Mills and Se-rageldin, 1991). بانک جهانی در سال ۱۹۹۲ طی یک گزارش حکمرانی خوب را چنین تعریف می‌کند: «شیوه‌ای که در آن قدرت صرف مدیریت منابع اقتصادی اجتماعی کشور جهت توسعه سیاسی می‌شود». یونسکو نیز حکمرانی خوب را سازوکارها، فرایندها و نهادهایی می‌داند که شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی از طریق آن‌ها حقوق قانونی خود را اجرا کرده و منافع خود را دنبال می‌کنند (مرادی و رهنما و حیدریان، ۱۳۹۶: ۱۵۹). آنچه از تعریف حکمرانی خوب اهمیت بیشتری دارد، ارزیابی حکمرانی خوب است.

برخی بر این باور هستند که کیفیت حکمرانی خوب به سیاستمداران و دیوان‌سالاری بستگی دارد. در واقع حکمرانی خوب نه تنها از کیفیت نهادها تأثیر می‌پذیرد بلکه به ظرفیت و توانمندی سیاستمداران و دیوان‌سالاران نیز بستگی دارد (Nadeem, 2016: 2). با این وجود به سبب اختلاف نظر در تعریف حکمرانی خوب، در ذیل پاره‌ای از مهم‌ترین تعاریف از حکمرانی خوب آورده شده است تا با مطالعه و بررسی آنان بتوان مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک این مفهوم در بین تعاریف را استخراج کرده و متناسب با آن



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۶۲

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

به ارزیابی دولت احمدی‌نژاد از این حیث پرداخت.

تعاریف	افراد حقیقی یا حقوقی
حکمرانی خوب در بسیاری از موارد حکایت از فهرستی از خصوصیات پسندیده لازم حکومت دارد. حکمرانی خوب بیانگر نگرانی‌های هنجاری پیرامون اموری است که دولت بایستی انجام دهد، همانند کاهش فقر، عرضه خدمات اجتماعی، حفظ ثبات سیاسی.	گریندل (۲۰۱۰)
جهت تضمین پیش‌نیازهای اساسی بازار اقتصادی همچون حفاظت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای و کنش جمعی حکمرانی خوب لازم است. اقتصاد حکمرانی خوب از همه فرایندهای اسمیتی حمایت می‌کند که بر اساس آن، افراد در امور مختلف متخصص می‌شوند و با همدیگر جهت نیل به نهایت توان اقتصادی جامعه مبادله می‌کنند.	دیکست (۲۰۰۹)
حکمرانی خوب دارای ۶ بعد مشارکت، انصاف، شایستگی، کارآمدی، پاسخگویی و شفافیت است که آن‌ها را باید در شش عرصه جامعه مدنی، جامعه سیاسی، حکومت، دیوان‌سالاری، جامعه اقتصادی و قوه قضائیه مورد ارزیابی قرار داد.	هایدن و دیگران
حکمرانی خوب را می‌توان در ۶ جنبه اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، جرم و آدم‌کشی، کارآمدی حکومت، فقدان تحمیل‌های قانونی، برابر حقوقی و کنترل فساد ارزیابی کرد.	کافمن
حکمرانی خوب ضامن برابری حقوقی، بهبود کارآمدی و پاسخگویی بخش عمومی و کاهش فساد باشد.	صندوق بین‌المللی پول
حکمرانی خوب عبارت است از قاعده مندی، شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی، انصاف... ترویج برابری حقوقی... تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی اقتصادی، بر اساس اجماع جمعی است و اظهار نظرهای فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد.	برنامه عمران سازمان ملل
مؤلفه‌های حکمرانی خوب عبارت‌اند از: انتخابات، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنش‌گران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست، پاسخگویی و تعویض حاکمان، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع.	بانک جهانی (۲۰۰۶)
عدم تمرکز قدرت و منابع، حضور عدالت در تصمیم‌گیری، شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی، توسعه پایدار، امنیت، اهتمام به حقوق شهروندی.	UNCHS (۲۰۰۰)
مشارکت، عدالت، شفافیت، حساسندگی، حکومت قانون، پاسخگویی، اجماع‌گرایی، ثمربخشی و کارایی، چشم انداز استراتژیک.	UNDP (۲۰۰۰)
مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اهتمام به احتیاج فقرا، مدیریت کارآمد.	بانک جهانی (۲۰۰۰)
حسابداری عمومی، مدیریت مسالمت‌آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، عدالت، پاسخگویی.	فریدمن (۱۹۹۸)
پاسخگویی، شایستگی دولت، احترام به حقوق بشر، رعایت قانون، مشروعیت دولت.	ODA (۱۹۹۳)
مدیریت دولتی کارآمد، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت.	بانک جهانی (۱۹۹۲)

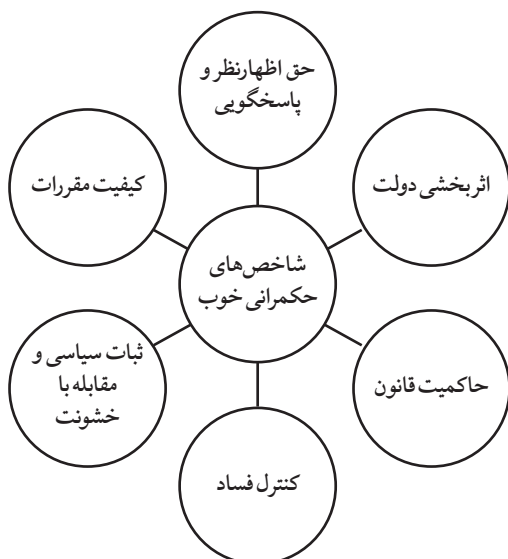
جدول شماره (۱): تعاریف مختلف از حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰)



۱۶۳

نسخه نهایی و تصحیح شده در دولت‌های نهم و دهم

همانگونه که از مطالعه جدول بالا به دست آمد، ارزیابی حکمرانی خوب و استخراج شاخص‌های مشترک آن که مورد توافق همگان باشد کار ساده‌ای نیست (Sheng, 2008: 5). آنچه در این پژوهش محوریت یافته، ۶ شاخص حکمرانی مطرح شده از سوی بانک جهانی است که به صورت کلی مورد پذیرش قرار گرفته است. این ۶ شاخص در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است.



نمودار شماره (۱): شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی (World Bank, ۲۰۱۰)

۲/۴. حکمرانی خوب و تمرکززدایی

یکی از روش‌های متداول برای ارزیابی حکمرانی خوب در کشور، بررسی میزان عدم تمرکزگرایی و میزان تمرکززدایی در سیاست‌ها است (Sheng, 2008: 2). مؤلفه‌های بسیاری از تمرکززدایی به حکمرانی خوب مرتبط است زیرا تمرکززدایی نقش بسیار مهم و اثرگذاری در حکمرانی خوب دارد (Ny-iri, n.d.: 1). به عبارتی روابط وثیقی میان تمرکززدایی موفق و حکمرانی خوب برقرار است (Vengroff and Salem, 1992: 473-492).

جری ونسانت معتقد است که تمرکززدایی عبارت است از تنظیمات مهم ساختاری جهت بهبود حکمرانی در کشورهای در حال توسعه. او به عبارتی تمرکززدایی را چارچوب نهادی مهمی برای ارتقاء حکمرانی در کشورهای در حال توسعه می‌داند (VanSant, 1997). ونسانت بر این اعتقاد است که تمرکززدایی به خودی خود نمی‌تواند حکمرانی خوب را تضمین دهد. همچنین نمی‌تواند به راحتی به همه شهروندان نفع رساند بویژه شهروندان محروم. ونسانت چنین ادامه می‌دهد که تمرکززدایی که فراتر



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

۱۶۴

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

از شاخص‌های مالی و اداری می‌رود مستلزم تقسیم قدرت سیاسی جهت ارتقاء جامعه مدنی است (VanSant, 1997).

تمرکززدایی نقش بسزایی در توسعه دموکراتیک بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکا و اسپانیا داشته است. همین امر سبب شده تا این کشورها به‌سوی حکومت خوب و با کیفیت میل کنند. دستیابی به حکومتی با کیفیت خوب در کشورهای در حال توسعه به‌عنوان اهداف جدید این دولتها به شمار می‌آید (Nyiri, n.d.: 5). تمرکززدایی واقعی در اشکال تفویض اختیارات به پیرامون و کمک به خصوصی‌سازی حکمرانی خوب را ارتقا می‌دهد (Conyers, 1983). رابرت چارلیک پیرامون رابطه میان تمرکززدایی و حکمرانی خوب بیان می‌دارد که تمرکززدایی روشی است برای ایجاد مراکز چندگانه جهت مشارکت در تصمیم‌گیری که این به نوبه خود مدیریت بهتر و پاسخگویی را که از مهم‌ترین فاکتورهای حکمرانی خوب هستند در پی خواهد داشت (Charlick, 1992).

۵. تمرکزگرایی در دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران

دولت‌های نهم و دهم در سوم تیرماه ۱۳۸۴ با پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، توسط وی تشکیل شد. محمود احمدی‌نژاد پیروزی خود را انقلاب سوم نامید. انقلاب اول پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب دوم تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و انقلاب سوم از نظر احمدی‌نژاد تشکیل دولت نهم به ریاست وی بود. بعد مسلط و محوری این انقلاب را می‌توان در این دانست که احمدی‌نژاد قصد داشت مستقیماً و به دست خود توزیع منابع کشور را رقم بزند و همین امر باعث شد دولت بسیاری از اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها را در دایره خود متمرکز کند. گویا رئیس دولت‌های نهم و دهم توجه لازم به فرایندهای جامعه در حال گذار ایران و نیاز گروه‌های اجتماعی در حال نوسازی، به ویژه در زمینه مشارکت سیاسی نداشت. با این وجود دولت‌های نهم و دهم انگیزه‌چندانی برای ایجاد و ارتقاء سطح کمی و کیفی نهادهای مشارکتی و کانالیزه کردن تقاضاهای سیاسی و اجتماعی طبقه متوسط جدید نداشتند (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۴) که حکایت از تمایل دولت به تمرکزخواهی و میل سریع آن به‌سوی تمرکزگرایی شدید داشت. آمار سال ۱۳۹۰ حکایت از این دارد که اکثر کارکنان قانون‌گذاری، مقامات عالی رتبه و مدیران کشور در مرکز سیاسی کشور مشغول به کار بودند؛ به‌طوری‌که از مجموع ۷۴۶ هزار نفر از کارکنان این گروه، تعداد ۲۰۰ هزار نفر (۲۶/۸ درصد) در پایتخت فعالیت می‌کردند (اسدزاده، هانیه و غنی‌پور، مرضیه، ۱۳۹۳: ۳۲۲). این امر نشان‌دهنده نوعی از تمرکزگرایی اداری دولت احمدی‌نژاد بود. این درحالی است



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دانش‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

که تمرکزگرایی در دولت وی تنها به این عرصه محدود نشده و دیگر عرصه ها به ویژه عرصه اقتصادی و سیاسی را نیز در بر می گرفت. برخی از مهم ترین نمونه اقدامات تمرکزخواهی سیاسی و محدود کردن مشارکت و فعالیت طبقه متوسط جدید در دولت های نهم و دهم موارد ذیل است:

انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی - انحلال شوراهای عالی - کاهش در تأسیس احزاب و تشکلهای سیاسی - محدود کردن سازمان های غیردولتی - محدود کردن رسانه ها و مطبوعات - تمرکزگرایی در عزل و نصب مقامات و غیره که در ادامه به صورت تفصیلی مورد مذاقه قرار خواهند گرفت.

۱/۵. تمرکزگرایی در عرصه رسانه و مطبوعات

از اقدامات تمرکزگرای دولت نهم و دهم می توان به مطبوعات و رسانه اشاره کرد. جهت بررسی وضعیت مطبوعات و رسانه در هر دولتی مؤلفه های مختلفی از جمله تعداد مجوزهای صادر شده برای رسانه ها، سنجش تعداد پرونده های قضایی مطبوعات، تعداد توقیف و لغو مجوزها و تذکرات داده شده به مطبوعات، تعداد لغو مجوزهای ماده ۱۶ قانون مطبوعات، سنجش تعداد و نوع مطبوعات منتشر شده، شیوه چاپ مطبوعات و غیره بایستی مورد ارزیابی قرار گیرند. داده های آماری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیرامون تعداد مجوزهای صادر شده از سوی معاونت مطبوعاتی این وزارتخانه برای رسانه های کشور حاکی از این است که از تیرماه ۸۴ تا تیرماه ۹۲، در مجموع تعداد ۱۵۹۸ مجوز صادر گردیده که نسبت به دوره اصلاحات که تعداد ۱۱۷۶ مجوز صادر شده، رشد چشم گیری داشته است. از این تعداد ۹۳۶ رسانه در حوزه تخصصی و ۶۶۲ رسانه در حوزه عمومی فعال بوده اند. این درحالی است که در دولت های هفتم و هشتم سید محمد خاتمی تعداد ۵۵۹ رسانه در حوزه عمومی و ۶۱۹ رسانه در حوزه تخصصی مجوز فعالیت کسب کردند.

این آمار نشان دهنده این است که در دولت های نهم و دهم اکثر مجوزها برای فصلنامه ها و مجلات علمی و تخصصی صادر گردیده است. درواقع دولت با این نوع از اعطای مجوز درصدد تقویت رسانه های وابسته به دولت و مراکز علمی و تخصصی و از سویی تضعیف رسانه های مستقل از دولت و به ویژه روزنامه ها بوده است. به عبارتی در دولت های نهم و دهم، رسانه ها به ویژه روزنامه ها و مطبوعات با فضای بسته و نوعی خفقان سیاسی مواجه بوده اند. بررسی وضعیت توقیف، لغو مجوزها و تذکرات داده شده به رسانه ها در این دولت، دلیلی آشکار بر وجود این فضای بسته و تمرکزگرایی در عرصه مطبوعات است (hamshahronline.ir). این در حالی است که یکی از کارویژه های مهم رسانه، آزادی بیان است. آزادی بیان رسانه نیز می تواند به برخی از شاخص های حکمرانی خوب همچون کنترل فساد، حق



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۱۶۶

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

اظهار نظر و پرسش طبقات اجتماعی از مسئولین و پاسخگویی آنان و در نتیجه اثربخشی دولت منجر شود. درحالی که دولت احمدی‌نژاد با ایجاد تمرکزگرایی شدید در رسانه و مطبوعات، دولت خود را از شاخص‌های مذکور حکمرانی خوب محروم ساخت.

۲/۵. محدودسازی سازمان‌های غیردولتی (NGO)

برطبق آمار مربوط به سازمان‌های غیر دولتی در دولت نهم و دهم، اغلب مجوزها برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی در دولت دهم از طریق وزارت کشور صادر شده است. در طول دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد مجوزهای صادرشده در این حوزه روندی صعودی داشته است. این در حالی است که بی اعتقادی به تأثیرگذاری این سازمان و گرایش به مدیریت تمرکزگرا در این دوره شرایط را برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی به اندازه ای دشوار کرد که منجر به بی اعتنایی به این سازمان‌ها و در پی آن، ناکارآمدی آن‌ها گردید. در دولت نهم و دهم اقبال چندانی به سازمان‌های غیر دولتی نبود (مولودی، بی تا). از دلایل ناکارآمدی سازمان‌های غیردولتی در این دوره، شکل نگرفتن رابطه مستمر و سازنده بین دولت و این سازمان‌ها جهت حل مشکلات اجتماعی جامعه است. این در حالی است که در صورت تعامل سازنده و مستمر با چنین سازمان‌هایی، مشکلات ارجاعی از سوی آن‌ها بهتر حل میشد (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

محمود احمدی‌نژاد به لزوم وجود نهادهای واسطه بین دولت و مردم توجهی نداشته و بالعکس به رابطه مستقیم و بی واسطه با مردم اعتقاد داشت و شخصاً به دنبال حل انواع و اقسام مشکلات اقتصادی، معیشتی و اجتماعی و غیره مردم بود؛ امری که درنهایت با افزایش بار مسئولیت رئیس جمهور به ناکارآمدی هرچه بیشتر دولت و افزایش مشکلات مردم انجامید (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۲۵).

از اقدامات دولت احمدی‌نژاد در ارتباط با سازمان‌های غیردولتی، طرح تأسیس سازمان‌های غیر دولتی و نظارت بر فعالیت آنان بود. بر اساس این طرح تمامی نهادهای غیردولتی که خواستار ادامه فعالیت یا شروع فعالیت خود بودند می بایست مورد تأیید یک نهاد نظارتی جدیدی که اعضای آن وابسته به دولت بود قرار می گرفتند (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۷). این شرط در حالی است که یکی از مشخصه های بارز سازمان‌های مردم نهاد، مشخصه غیردولتی بودن آن‌ها و عدم وابستگی آن‌ها به دولت است. درحالی که این استقلال با تصویب طرح مذکور عملاً ناکارآمد می شد. این اقدام احمدی‌نژاد حتی از سوی سازمان عفو بین‌المللی با انتقاد مواجه شد (رزاقی، ۱۳۹۰/۱/۱۵). دولت نهم و دهم با دخالت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت این نهادها دخالت کرده و با نفوذ در بدنه آن‌ها و سپردن زمام امور این



سازمان‌ها به دست هواداران خود، آن‌ها را به پیمانکاران دولتی تبدیل کرد تا قادر به انجام کارویژه‌های اصلی خود نباشند. در این دوره دولت با استفاده از درآمدهای نفتی اقدام به تأسیس نهادهای مردم نهاد وابسته به خود کرد که منجر به افزایش کمی سازمان‌های غیردولتی شد (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۸). در نتیجه توزیع حقیقی قدرت در بین سازمان‌ها و نهادهای مدنی و محلی صورت نپذیرفت.

۵/۳. تمرکزگرایی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

مهر ماه سال ۱۳۸۵ با تصمیم رئیس دولت نهم دفاتر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها زیر نظر استانداران قرار گرفت. این اقدام موجب تعجب بسیاری از کارشناسان گردید. برخی از منتقدین این تصمیم بر این عقیده بودند که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به صندوق دارایی دولت تبدیل می‌شود. فرهاد رهبر رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در اعتراض به این اقدام، یک ماه بعد از این دستور استعفا داد. کمتر از ۱۰ ماه بعد از این اقدام یعنی در تیرماه ۱۳۸۶ در جلسه شورای عالی اداری که ریاست آن را رئیس جمهوری برعهده دارد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور توسط رئیس جمهور منحل شد. این اقدام رئیس دولت نهم باعث شد که محوریت تصمیم‌سازی‌ها در اختیار شخص اول دولت قرار گیرد و این دقیقاً مطابق با ایده تمرکزگرایی سیاسی و اداری است. همانطور که اشاره شد برای نیل به دموکراسی لازم است دیگر طبقات اجتماعی نیز در قدرت و تصمیم‌گیری مشارکت یابند. در صورتی با اقدام مذکور احمدی‌نژاد، همه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه و بودجه در دست رئیس جمهور متمرکز گردید که با اصول دموکراسی تعارض دارد.

۵/۴. تمرکزگرایی در انتصاب مقامات

محمود احمدی‌نژاد به دنبال کنترل کامل وزارتخانه‌ها جهت سوق دادن به سمت برنامه‌های دولت بود. این مقوله به سبب ماهیت رانتیری کشور و دولت، در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اقتصادی به ویژه وزارت نفت و بانک مرکزی شدت بیشتری داشت. احمدی‌نژاد برای وزارت نفت اهداف زیادی داشت به همین دلیل به دنبال تسلط کامل بر این وزارتخانه و کنترل آن بود. از این روی وی شورای نفت را برای نظارت و رسیدگی به عواید قراردادهای نفتی تأسیس کرد تا به قول خود بتواند فضای حاکم بر قراردادهای، تولید و صادرات نفت را واضح و آشکار کند. وی در طول مدت چهار ماه تعداد چهار وزیر مختلف جهت تصدی وزارت نفت به مجلس معرفی کرد که هر کدام از آن‌ها توسط نمایندگان مجلس رد صلاحیت می‌شدند. روحیه تمرکزخواهی احمدی‌نژاد به میزانی بود که وی در نهایت تصمیم گرفت تا خود سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گیرد که البته این پیشنهاد با مخالفت‌ها و اعتراضات شدید نمایندگان مجلس واقع شد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۶۸

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰



با این وجود تلاش‌های احمدی‌نژاد موجب شدت یافتن تمرکزگرایی نفتی در کشور گردید. به موجب این تمرکزگرایی نفتی به وجود آمده، دولت نهم و دهم به نهادهای مدنی نیازی نداشته و به سبب کنترلی که بر این نهادها داشت خود را از ظرفیت آنان محروم می‌ساخت.

سازمان دیگری که محمود احمدی‌نژاد سیاست تمرکزگرایی اقتصادی را در عزل و نصب‌های خود دنبال می‌کرد، بانک مرکزی بود. ابراهیم شیبانی اولین منصوب احمدی‌نژاد برای ریاست کل بانک مرکزی بود. احمدی‌نژاد به دنبال کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی بود. از این روی ابراهیم شیبانی را جهت پیشبرد این سیاست منصوب کرد. شیبانی نیز پس از اصرار احمدی‌نژاد جهت کاهش نرخ سود بانکی به نرخ کمتر از نرخ تورم، به نشانه اعتراض از سمت خود کناره‌گیری کرد (دارایان، ۱۳۹۴/۴/۲۳). پس از ابراهیم شیبانی نیز طهماسب مظاهری به عنوان رئیس بانک مرکزی انتخاب شد که این ریاست نیز یک سال بیشتر طول نکشید. مظاهری نیز علت کناره‌گیری خود را مخالفت با احمدی‌نژاد در تعیین نرخ سود بانکی، مخارج دولت و استقلال بانک مرکزی اعلام داشت.

وزارت اقتصاد و وزارتخانه دیگری بود که سیاست تمرکزگرایی مالی احمدی‌نژاد در آن دنبال می‌شد. دانش جعفری برای پیشبرد سیاست‌های احمدی‌نژاد منصوب گردید اما او نیز از وزارت اقتصاد کناره‌گیری کرده و علت این اقدام خود را کنترل شخصی اقتصاد کشور توسط احمدی‌نژاد اعلام داشت (BBC, 2008). البته بایستی عنوان داشت که تمرکزگرایی رئیس دولت نهم و دهم تنها به نهادهای اقتصادی محدود نبود بلکه در تمام ساختارهای سیاسی و اقتصادی و اداری این کشور ساری و جاری بود. کنار گذاشته شدن منوچهر متکی، وزیر امور خارجه در آذر ۱۳۸۹ در حالی که در سفر رسمی خود در سنگال به سر می‌برد نیز نمونه‌ای از اقدامات وی در راستای تمرکزگرایی است. در مدت ۸ سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، کابینه او ۲۰ مرتبه با عزل وزرا و ادغام وزارتخانه‌ها دستخوش تغییرات شد که با اقدامات مجلس شورای اسلامی در استیضاح وزرا این رقم به ۲۳ مرتبه رسید (۱۳۹۲/۵/۱۳)، خبرگزاری تسنیم). چنین عزل و انتصاب‌هایی از سوی محمود احمدی‌نژاد موجب کاهش اثربخشی دولت به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب در دولت نهم و دهم گردید.

۵/۵. تمرکزگرایی در تأسیس احزاب و تشکل‌های سیاسی

داده‌های آماری مربوط به تعداد تشکل‌های سیاسی و احزاب تأسیس شده در دولت نهم و دهم حکایت از این دارد که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تعداد ۲۱ مجوز در دولت نهم و ۹ مجوز نیز در دولت دهم برای تأسیس تشکل‌های سیاسی صادر شده است. این در حالی است که از این تعداد تنها ۹ تشکل

سیاسی تحت عنوان حزب سیاسی توانسته اند مجوز فعالیت دریافت کنند. این تعداد از مجوز صدور فعالیت تشکل و احزاب سیاسی در دولت احمدی‌نژاد درحالی است که در دولت هفتم و هشتم سید محمد خاتمی تعداد ۱۱۵ مجوز در دولت هفتم و ۴۳ مجوز در دولت هشتم صادر شده و ۳۸ تشکل سیاسی به نام حزب مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

از سوی دیگر، در دولت نهم و دهم از طریق وزارت کشور به‌عنوان متولی صدور پروانه فعالیت احزاب و نظارت بر آن‌ها، فعالیت بسیاری از احزاب غیرقانونی اعلام شد و با استفاده از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب برخی از احزاب به حاشیه رانده شدند. در دولت دهم عملاً فعالیت خانه احزاب کاهش یافت. وزارت کشور ساختمانی را که در اختیار خانه احزاب بود را باز پس گرفت. عملاً در این دولت به دلیل عدم حمایت جدی از احزاب و بی توجهی به آن‌ها، فعالیت های حزبی و سیاسی به مدت ۵ سال کاهش یافت. در این دوره پروانه فعالیت تعدادی از احزاب و کانون های مردمی که در دوره های قبل اجازه فعالیت داشتند باطل شد و یا دیگر تمدید نشد. نگرش احمدی‌نژاد در ارتباط با احزاب مبتنی بر عدم دخالت آن‌ها در سیاست بود. این دولت موجودیت احزاب سیاسی را چندان تاب نیاورد لذا کارگزاران دولت نهم و دهم با تأکید بر عدم حمایت احزاب سیاسی کشور از دولت نهم و دهم، در صدد ناکارآمد جلوه دادن احزاب در راستای حذف آنان بر آمد (عیوضی، ۱۳۹۴/۹/۲۷).

تلاش محمود احمدی‌نژاد برای کاهش قدرت احزاب سیاسی در راستای سیاست تمرکزگرایی و تمرکز قدرت در اختیار خود بود. تضعیف نهادهای جامعه مدنی و حقوق سیاسی شهروندی در حوزه حق تحزب و آزادی عضویت در احزاب توسط دولت نهم و دهم را می‌توان نشان دهنده وجود نگرشی محدودکننده به اصول توسعه سیاسی و مدرنیته سیاسی تفسیر کرد (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۴). درحالی‌که یکی از مؤلفه‌های توسعه از منظر دموکراسی، آزادی احزاب و اجازه فعالیت به آنان است. درصورتیکه در دولت احمدی‌نژاد این اصل دموکراسی نیز به خوبی تحقق نیافته و از سرعت توسعه سیاسی در این دوره کاسته شد.

۵/۶. انحلال شوراهای عالی توسط دولت

در تاریخ ۲۳ مردادماه ۱۳۸۶ تعداد ۲۸ شورای عالی به دستور محمود احمدی‌نژاد در همدیگر ادغام شدند. نمایندگان مجلس این اقدام دولت را غیرقانونی دانسته و تصمیم به ابقای حداقل ۱۸ شورا گرفتند. از سویی شورای نگهبان مصوبه مجلس را دارای ایراد دانسته و به مجلس بازگرداند. بعد از برگشت دادن این مصوبه از سوی شورای نگهبان، محمود احمدی‌نژاد به سرعت پرویز داودی، معاون اول خود را مأمور اجرائی کردن نظر شورای نگهبان کرد. از نظر دولت احمدی‌نژاد، به دلیل اینکه شورای نگهبان تشکیل



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

این شوراهای عالی را که به عقیده دولت در آن‌ها افرادی خارج از هیئت وزیران حضور دارند، مغایر قانون اساسی شناخته است. بنابراین باید کلیه اختیارات شوراهای اجرایی به هیئت وزیران محول شود (۱۳۸۶/۱۱/۲۵، رادیو فردا). در پی این اقدام کلیه اختیارات و وظایف اجرایی شوراهای عالی به هیئت وزیران محول شد. براساس تصمیم دولت شوراهای عالی نظیر شورای اقتصاد، پول و اعتبار، بیمه، علوم، تحقیقات و فناوری، اشتغال، توسعه صادرات غیرنفتی، مناطق آزاد تجاری و صنعتی، آموزش و پرورش، زیست فناوری، استاندارد، اطلاع‌رسانی، انرژی اتمی، آب، انرژی، حفاظت محیط زیست و غیره منحل و اختیارات آن‌ها به کمیسیون‌های زیرمجموعه دولت منتقل شد.

شورای پول و اعتبار یکی از ارکان پنج‌گانه بانک مرکزی است که در مسائل پولی، بانکی و اعتباری اظهار نظر می‌کند و از سال ۱۳۳۹ همزمان با تأسیس بانک مرکزی در ایران ایجاد شده است. ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در نهاد ریاست جمهوری که پیشتر بدان اشاره شد و بخش‌های سیاست‌گذاری بانک مرکزی در دیگر نهادهای زیرمجموعه ریاست جمهوری بر تمرکز هرچه بیشتر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در ریاست جمهوری می‌انجامد و طبیعی است که تمرکز ایجاد شده نقش طبقه متوسط جدید در تصمیم‌گیری و کنشگری فعال آن در فضای سیاسی کشور را کاهش می‌دهد. برخی کارشناسان اقتصادی بیان می‌داشتند که با متمرکز شدن سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری اقتصادی در نهاد ریاست جمهوری جایگاه دیگر شخصیت‌ها و نهادهای اقتصادی ایران تضعیف خواهد شد. نمایندگان مجلس این اقدامات از سوی دولت نهم را شتابزده قلمداد کردند و به انتقاد از آن پرداختند. کشمکش میان مجلس و دولت احمدی‌نژاد برای تصویب لایحه‌ای که برخی آن را غیرقانونی می‌شمردند، باعث گردیده بود تا برخی این اقدام وی را به‌نوعی تعارض با حاکمیت قانون، به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب بدانند.

نتیجه گیری

تمرکزگرایی شدید دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد که ناشی از وابستگی بیشتر دولت‌های قبل به درآمدهای رانت نفتی بود، عدم نیاز به طبقات اجتماعی جامعه و در نتیجه عدم پاسخگویی به آنان را به دنبال داشت. شفافیت و پاسخگویی به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، در دولت تمرکزگرای احمدی‌نژاد بسیار مورد بی توجهی قرار گرفته بود. بی توجهی به شفافیت و پاسخگویی مسئولان به مردم نیز به نوبه خود فسادهایی را به دنبال دارد که می‌تواند کارنامه حکمران را در نیل به حکمرانی خوب با چالش مواجه سازد. حاکمیت قانون نیز به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب در این دولت به خوبی تحقق نیافت؛ چراکه احمدی‌نژاد به دلیل برخورداری از روحیه تمرکزگرایی، به دنبال ادغام برخی از نهادها در یکدیگر و مدیریت آنان توسط دولت مرکزی بود. در حالی که چنین اقداماتی در بسیاری از موارد با مخالفت قوه مقننه و نمایندگان مجلس مواجه می‌شد. عزل و انتصاب‌های بسیار زیاد این دولت که ناشی از اتخاذ رویکر تمرکزگرایی در انتصابات بود، کارآمدی و اثربخشی را به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب، با چالش مواجه می‌ساخت زیرا مقامات منصوب شده در دولت تمرکزگرا قادر به اجرای برنامه‌های کارشناسی خود نبوده، لذا پس از گذشت مدتی از انتصاب، یا توسط دولت عزل شده و یا خود استعفا می‌دادند. این امر ثبات سیاسی در ارگان‌ها و نهادهای دولتی را با مشکل مواجه ساخته و موجب کاهش کارآمدی دولت می‌شد. دولت نهم و دهم به صورت هدفمند به صدور مجوز فعالیت مطبوعات و تشکل‌های سیاسی می‌پرداخت. نهادهایی همسو با خود تأسیس می‌کرد. مشارکت غیر مستقیم مردم در سپهر سیاسی کشور را کم کرده و تلاش می‌داشت تا خود به صورت مستقیم در اکثر امور اجرایی - سیاسی و اداری کشور ورود یابد، امری که با بسیاری از شاخص‌های حکمرانی خوب و اصول دموکراسی و توسعه سیاسی در تضاد بود. در یک جمله بایستی عنوان داشت که تمرکزگرایی شدید دولت احمدی‌نژاد عدم تحقق برخی از شاخص‌های حکمرانی خوب را به دنبال داشته و روند پیشروی به سوی حکومت خوب جمهوری اسلامی ایران را با تاخیر مواجه ساخته است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

۱۷۲

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

منابع

منابع مکتوب

۱. آبیاری، منصور و همکاران، (۱۳۹۶)، نقش حکومت‌های محلی در فرآیند توسعه سیاسی مطالعه موردی، ایران، فصلنامه سیاست جهانی، وره ۶، شماره ۱، ۱۵۹ - ۱۹۳.
۲. اسدزاده، هانی و غنی پور، مرضیه، (۱۳۹۳)، تمرکزگرایی تهران و علل آن. مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و تمرکززدایی پایتخت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳. اسدی، مرتضی، (۱۳۷۱)، تمرکز سیاسی-اداری و مراحل رشد اقتصادی، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۱، شماره ۴۶، ۷۵ - ۵۵.
۴. امید، علی، (۱۳۹۲)، امنیت و توسعه پایدار و تقویت قانونمند حکومت‌های محلی در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۴، ۱۱۳ - ۱۳۶.
۵. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۸۱)، جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، تهران: نشر نقش و نگار.
۶. پهلوی، محمدرضا، (۱۳۴۷)، مأموریت برای وطن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.
۷. رحیمی، علیرضا و کتابی، محمود، (۱۳۹۳)، گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۴، ۳۲ - ۶۶.
۸. سریع القلم، محمود، (۱۳۷۱)، اصول ثابت توسعه سیاسی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶، ۲۹ - ۲۶.
۹. شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۷)، تمرکز و توسعه سیاسی در تاریخ معاصر ایران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۴۹ - ۸۳.
۱۰. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۲)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۱. عیوضی، محمدرحیم و مرزبان، نازنین، (۱۳۹۵)، بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵، ۱۱۸ - ۱۳۷.
۱۲. غفاری، مسعود و ترجمان، فریبا، (۱۳۹۷)، مدرنیته سیاسی در دولت‌های نهم و دهم، رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳، ۱۵۰ - ۱۷۱.
۱۳. فروغی ابری، علی اصغر و سهامی، فرهاد، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تمرکزگرایی در تاریخ معاصر ایران در دو مقطع انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، فصلنامه ژرفا پژوه، سال دوم، شماره ۲ و ۳، زمستان و بهار ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴، از ۱۱۶ - ۱۴۶.
۱۴. مرادی، ابراهیم و رهنما، علی و حیدریان، سمیرا، (۱۳۹۶)، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد (مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)، فصلنامه اقتصادی مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، ۱۵۱ - ۱۸۲.
۱۵. معمارزاده، غلامرضا و پاک طینت، اقبال، (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی، فصلنامه کنترولر، سال چهل و یکم، دوره دوم، شماره ۲۱، پائیز و زمستان ۸۵.



۱۶. موسی‌زاده، رضا، (۱۳۸۷)، حقوق اداری ۱ و ۲، تهران: نشر میزان.
۱۷. نبوی، مصطفی، (۱۳۵۶)، تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی در ایران، تهران: خواجه.
۱۸. نظری، سید غنی و بشیری گیوی، حسین و جنتی، سعید، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره اول، زمستان، از ۱۳۸-۱۴۶.

منابع اینترنتی

۱۹. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۲/۵/۱۲)، عزل ۱۳ و استیضاح در کارنامه وزاری احمدی‌نژاد، ماندگارترین وزیر چه کسی بود؟ تاریخ مشاهده، ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

13- /109941 /13 /05 /https://www.tasnimnews.com/fa/news/13923-%D8%A7%D8%B3%D8-88%84-%D9%%D8%B9%D8%B2%D9%AA%DB%8C%D8%B6%D8%A7%D8%AD-%D8%AF%D8%B1-8-%86%D8%A7%D9%%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D988%D8%B2%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%87-%D9%5%D985%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%D8%AD%D985%D8%A7%D%86%DA%98%D8%A7%D8%AF-%D9%%D986%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8%988%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%86-%D9%%B1%DB%8C%D987-%DA%A9%D8%B3%DB%8C-%DA%86%D988-%84-%D9%88%D9%88%D8%AF-%D8%AC%D8%AF%D9%%D8%A8%D988%D8%AF%D8%A7%D8%B1%85%D9%86%D9%%D9

۲۰. دارایان، (۱۳۹۴/۴/۲۳)، ناگفته‌های ابراهیم شیبانی رییس کل اسبق بانک مرکزی از سیاست‌های احمدی‌نژاد، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://www.daraian.com/fa/paper/141-day/8707>

۲۱. رادیوفردا، (۱۳۸۶/۱۱/۲۵)، واکنش رییس مجلس به انحلال شوراهای عالی توسط دولت، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

https://www.radiofarda.com/a/f5_breakup_commission/434886.html

۲۲. رزاقی، سهراب، (۱۳۹۰/۱/۱۵)، ایران: خطر نابودی سازمان‌های مستقل جامعه مدنی، عفو بین الملل و عرصه سوم، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/32000/mde130372011fa.pdf>

۲۳. عیوضی، سمانه، (۱۳۹۴/۹/۲۷)، روحانی و احمدی‌نژاد در قبال احزاب چه کردند؟ / از وضعیت احزاب در دولت احمدی‌نژاد تا رویکرد یازدهم به جریان‌های سیاسی، باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۷۴

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

۱۷۵

نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم

88%D8%AD %https://www.yjc.ir/fa/news/5421537/%D8%B1%D9
88-%D8%A7%D8%AD %86%DB%8C-%D9 %D8%A7%D9
86%DA%9 %8C%D9 %80 %85%D8%AF%DB%8C%E2 %D9
82%D8%A-%8%D8%A7%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D9
84-%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%8%D8%A7%D9
86%D8%AF-%87-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9 %DA%86%D9
88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%B2-%D9
%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%D8%AF%D8%B1-
%84%D8%AA-%D8%A7%D8%AD%D9 %88%D9 %D8%AF%D9
86%DA%98%D8%A7%8C%D9 %80 %85%D8%AF%DB%8C%E2
88%DB%8C%DA-%D8%AF-%D8%AA%D8%A7-%D8%B1%D9
84%D8%AA-%DB%8C%D8%88%D9 %A9%D8%B1%D8%AF-%D8%AF%D9
87-%D8%AC%D8%85-%D8%A8%D9%87%D9 %A7%D8%B2%D8%AF%D9
87%D8%A7%DB%8C-%D8%8C%D9%80%86%E2 %B1%DB%8C%D8%A7%D9
D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C

۲۴. مولودی، عبدالعزیز، (بی تا)، نگاهی به آیین نامه جدید تشکیل و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

84%D8%A7% %82%D8%A7%D9 %85%D9 %http://iran cso.com/%D9
87%DB%8C-%86%DA%AF%D8%A7%D9%D8%AA/1082-%D9
8C%D%80%86%E2%87-%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9 %D8%A8%D9
87-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF-%85%D9%86%D8%A7%D9%9
88-%84-%D9 %D8%AA%D8%B4%DA%A9%DB%8C%D9
84%DB%8C%D8%AA-%D8%B3%81%D8%B9%D8%A7%D9 %D9
8C%D-%80 %86%E2 %85%D8%A7%D9 %D8%A7%D8%B2%D9
88%D%87%D8%A7%DB%8C-%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AF%D9%9
84%D8%AA%DB%8C.html%9

منابع انگلیسی

25. Basley, Timothy, and Case, Anne, (1995), "Incumbent Behavior: Vote-Seeking, Tax-Setting, and Yardstick Competition", American Economic Review, 85, pp. 25-45.
26. Boffa, Federico, Piolatto, Amedo and Ponzetto, Giacomo A.M., (n.d.), "Political Centralization and Government Accountability", BBVA foundation, Spain.

27. Charlick, R. (1992). The Concept of Governance and its Implications for A.I.D. Development Assistance. Washington D.C: ARD.
28. Conyers, Diana, (1983), "Decentralization: the Latest Fashion in Development Administration", in Public Administration and Development, Vol. 3.
29. Conyers, Diana. (1986). Future Direction in Development Studies: The Case of Decentralization. World Development, 593-603.
30. Dahl, R. A., (1982), "Dilemmas of Pluralist Democracy: Autonomy vs Control", New Haven, Yale University Press.
31. Eaton, Kent, and Kaiser, Kai, and Smoke, Paul, (2010), The Political Economy of Decentralization Reforms, Implications for Aid Effectiveness, 2010 International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank, Washangton DC.
32. Evans Oluwagbamila, Ayeni, (2019), POLITICAL DEVELOPMENT THEORY, ITS CRITICISM, AND APPLICATION, Theories and Models of Public Administration & Development Studies (2018), In A.B Amadasun & D.O Salifu (Eds.) 978-1233-2-1-4.
33. Evans, P. (1996). Government action, social capital and development: Reviewing the evidence of synergy. World Development, 1119-1132.
34. Flynn, Norman and Strehl, Franz, (1963),
35. Landell-Mills P. and I. Serageldin, (1991), Governance and the External Factor, Washington, World Bank Annual Conference.
36. Nadeem, Malik, (2016), Analyzing Good Governance and Decentralization in Developing Countries, Development Studies Program, University of Melbourne, Australia.
37. Nyiri, Zsolt, (n.d.), "Decentralization and Good Governance: Ten Years of Hungarian Experience", University of Connecticut.
38. Riker, William H. "Federalism: Origin, Operation, Significant ", Boston: Little, Brown and Company.
39. Rondelli, D. (1984). Decentralization in Developing Countries. Washington: World Bank.
40. Rousseau, Mark O. and Zariski, Raphael, (1987), "Regionalism and Regional Devolution in Comparative Perspective", New York: Praeger.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۷۶

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

41. Sheng, Yap Kioe, (2008), Good Governance and Decentralization in Southeast Asia, UN Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP), Paper prepared for International Symposium on Challenges and Prospects of Local Governance in the Age of Civil Society, 15-17 November 2008, Aichi Gakuin University, Aichi, Japan.
42. Skocpol, T. (1996). Unravelling from above. *The American Prospect*, 20-25.
43. Vengroff, Richard & Salem, Ben.H, (1992), "Assessing the Impact of Decentralization on Governance: a Comparative Methodological Approach and Application to Tunisia" in *Public Admin. & Dev.* V.12, pp. 473-492.
44. Wolman, H. (1990). 'Decentralization: what it is and why we should care. In R. J.Bennett, *Decentralization, Local Governments, and Markets: Towards a Post-welfare Agenda*. Oxford: Clarendon Press.

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۷

غفاری، مسعود؛ رستم‌پور، محمد (۱۴۰۰)، «نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۷۷-۱۵۵.

